

نگاه

آفت تعهدنامه ارزی
در صادرات کشور

*پدرام سلطانی

صنعت مستهلک خود را می گذراند و اردات - البته به صورت هدایت شده - موتور ساخت و ساز کشور و ترمیم و بهینه سازی صنعت و در نهایت زمینه ساز صادرات است و همانطور که از آمارهای صادرات و واردات چند ساله اخیر نیز مشخص است افزونی چشمگیری نسبت به

صادرات دارد. لذا این واردات است که باید موتور تنظیم کننده صادرات باشد نه بالعکس. در واقع باید نخست سوخت در ماشین ریخته شود تا حرکت کند نه اینکه توقع داشته باشیم ماشین اول حرکت کند تا ما هم به همان نسبت به آن سوخت بخوریم. لذا این سیاست نه تنها سیاست صحیحی تلقی نمی شود بلکه با ایجاد وقفه در واردات ماشین آلات، مواد اولیه و مایحتاج صنایع، خود باعث تولید نامنظم و ناکارآمد، کمبود کالا-جهت بازار داخلی و صادرات- و در نتیجه برود پدیده مخرب احتکار و نهانپا رواج و رونق بازار کالای قاچاق - که یکی از عوامل جدی تخریب اقتصاد و سودهای یادآورده به جهت نپرداختن مالیات است - شده است.

روند صادرات در قبال سپردن تعهدنامه علاوه بر تبعات منفی در پیش اشاره شده باعث یک سری تبعات منفی دیگری نیز شده است که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر بازرگانی کشور و دیگر بخشون اجتماعی ایران تأثیرات و بار منفی خود را تحمیل نموده اند، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ایجاد بار مالی برای صادرکنندگان در مورد ضرورت سپردن وثیقه های نقدی و یا ملکی جهت صادرات کالا که در بسیاری از موارد بخشی از سرمایه در گردش صادرکنندگان را می جهت راکد و غیر فعال می سازد.

۲- طولانی و پیچیده تر نمودن روند صدور کالا به دلیل مراجعات مکرر صادرکنندگان به بانک و گمرک که جهت تنظیم و تغییر تعهدنامه های ارزی.

۳- پیچیده تر نمودن محاسبه قیمت تمام شده کالا (بر مبنای ارز) برای صادرکنندگان جهت اعلام نرخ به خریداران. (زیرا بخشی از قیمت، مبنای دلار و ارزیانهای و بخشی دیگر مبنای دلار آزاد دارد)

۴- ایجاد تأخیر در تبدیل ارز حاصله از صادرات به ریال به صورت های مختلف، که در نهایت به کندشدن گردش سرمایه صادرکننده می انجامد.

۵- تحمل کارمزدهای بانکی به عنوانی مختلف از قبیل صدور تعهدنامه ارزی، صدور اعلامیه خرید ارز، صدور واریزنامه، فروش واریزنامه و... به صادرکنندگان.

۶- ایجاد شغل های کاذب دولتی، خرید و فروش تعهدنامه ارزی و خرید و فروش واریزنامه در مسیر صادرکنندگان و واردکنندگان کالا.

۷- ایجاد احتمال تقلب و فساد اداری در زمینه صدور تعهدنامه های تقلبی و یا بدون ضابطه (کما اینکه مواردی همچون تباهی معروف چند میلیاردی یکی از گمرکات خروجی فرش به کرات در اندازه ها کوچکتر به وقوع پیوسته است).

۸- تحمیل حجم زیادی از کار جهت صدور و تسویه و دیگر مسائل مربوط به تعهدنامه های ارزی به شعبات ارزی بانک های کشور به طوری که در حال حاضر بیشترین بخش از وقت کارمندان این شعبات در رتق و رتق امور تعهدنامه ها تلف می شود.

فقدان موارد پادشده تمامی معایب این سیستم نیست و ایرادات دیگری نیز به این مقوله مترسب می باشد، ولی آیا هر یک از این ایرادات به تنهایی حتی کامل جهت رفع هرچه زودتر این معضل نیست؟ و آیا در فضای کنونی صادرات - واردات کشور می توان در جواب این همه عیب، حسی هم برای این رویه عنوان کرد؟ بدون شک حذف تعهدنامه ارزی از مسیر صادرات کالا و خدمات کشور کمک مهمی در ارتقا و به عبارتی جهش صادرات خواهد بود و می تواند در آستانه ورود به برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور گام مهمی در تسهیل پیشبرد اهداف این برنامه باشد.

و اما پیشنهادی که در خصوص جایگزینی موقت یک روند انتقالی به جای روند کنونی در صحنه صادرات - واردات کشور می شود این است که همانند رویه جاری در سال ۱۳۷۴ و اوایل ۱۳۷۲ در عین صادرات کالا بر که همایس معادل میزان ارزی کالای صادر شده به حساب صادرکننده گردد که واردکننده با ایتیان آن از طریق بورس قادر به واردات کالا باشد. در این حالت ارز حاصل از صادرات باید در اختیار خود صادرکننده باشد و نیز اجازه واردات به واردکننده به روش بدون انتقال ارز داده شود. پرواضح است که در این صورت اکثر ارز مورد نیاز واردکنندگان به تدریج و با جفافاندن این روند از صادرکنندگان خریداری خواهد گردید و نیز واردات کالا هم در حالی که دارای تعادلی با صادرات خواهد بود از مجرای پربین رخ منافی خارج شده و با تسریع روند واردات هدایت شده، صادرات سرعت و رشدی ملاطفت خواهد داشت. البته دور از ذهن نیست که این تغییر رویه در کوتاه مدت ایجاد تلاطمات و مشکلاتی در بازار ارز و نرخ ریال نماید ولی قطعاً با جفافاندن این رویه، جریان صادرات - واردات به مسیر طبیعی خود باز خواهد گشت.

در خاتمه امید است سیاستگزاران اقتصادی کشور با عنایت به نظرات و خواسته های صادرکنندگان و واردکنندگان کشور که به صورتی کاملاً ملموس - و نه از طریق آمار و ارقام - با مشکلات این بخش آشنا و دست به گریبانند نسبت به تغییر و تعدیل سیاست های جاری اقدام کنند تا خدای ناکرده مورد مصداق ضرب المثل «پای گود نشسته و میکه لنگش کن» قرار نگیرند.

*پدرام سلطانی

مشکل تعهدنامه ارزی صدور کالا و خدمات با اصطلاحاً پیمان ارزی که از سال ۱۳۷۴ مجدداً گریبانگیر صادرات کشور شده است، مدت هاست که به رأی اکثریت قریه به اتفاق صاحب نظران اقتصادی، کارشناسان و صادرکنندگان به عنوان عاملی بازدارنده و منفی در رشد صادرات غیر نفتی ما شناخته شده است. متأسفانه علی رغم ناکارآمد بودن این رویه و گفته ها و نوشته های مکرر علیه این روند حاکم بر صادرات، معلوم نیست به کدامین دلیل با دلایل موجه و مقتضی مسئولان ذریعہ نسبت به رفع این معضل اقدام کرده اند و کماکان ناوگان صادرات ایران را در آستانه بر نامه سوم در این گرداب گرفتار نگاه داشته اند.

می توان گفت بهترین انگیزه دولت برای برقراری مجدد سیستم صادرات در قبال اخذ تعهد بر گشت ارز از صادرکننده، جلوگیری از فرار سرمایه و خروج ارز از کشور بوده و به همین دلیل هم زمان با وضع این مانع بر سر راه صادرات، ارز در کشور به دو قسم منشأ داخلی - که معامله آن ممنوع بود - و منشأ خارجی تقسیم گردید. اگرچه این ترفند در کوتاه مدت شاید نتوانست اندکی از خروج ارز جلوگیری نماید ولی ناکارآمد بودن این سیاست با گذشت زمان هرچه بیشتر پدیدار گشت، به طوری که اگر امروز افرادی قصد خروج ارز از کشور را داشته باشند به راحتی می توانند با مراجعه به دلالات ارز منشأ خارجی - که عمدتاً در جلوی شعبات ارزی بانک ها مستقرند - به هر میزان که نیازمندند ارز خریداری نموده و به هر حسی در اقسمی نقیظاً تنها حواله و یا با درج در گزرنامه از کشور خارج نمایند. لذا دیگر به نظر نمی رسد کسی برای خروج ارز از کشور راه صعب و پر درسر صادرات کالا را انتخاب کند.

در اینجا لازم است به این مهم توجه شود که اگر سیاستگزاران مملکت با وجود گذشت بیش از ۲۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی ایران امکانناپذیر فرار سرمایه از مملکت رو به روندست پس از این باید به دنبال ایرادات سیاست های غلطی باشند که باعث ایجاد جنبه پدیده ای شده است، چرا که آنهایی که خود را از ما نمی دانستند دیری است که از این دیار رفته اند.

جواب توجه است که خود سیاستگزاران بانک مرکزی نیز به نادرست بودن این روند معتقدند و اگر این مسئله کمتر به زبان آنها می آید، ولی در عمل از نحوه اجرای این سیاست در بانک ها به وضوح مشخص است. اشاره به این نکته بس که در اجرای سیاست توسعه صادرات و به عنوان جایزه خوش حسابی برای صادرکننده ای که زودتر از سر رسید ۸ ماهه واریز ارز، مبلغ ارز مورد تعهد را به بانک بفرودشده به ازای هر ماه ۱ درصد از کل تعهدنامه تخفیف در استرداد و فروش ارز در نظر گرفته شود. به طور خلاصه این نکته عبارتست از:

جایزه صادرکننده خوش حساب - فروش ارز کمتر به بانک (با اجازه ورود ارز کمتر به کشور) پس ملاحظه می شود که نادرست بودن این سیاست حتی در بخشنامه های بانک مرکزی نیز مستر است.

از سوی دیگر بدیهی است که اکثریت قریب به اتفاق اشخاص حقیقی و حقوقی که در امر صادرات کالا فعال هستند اشخاصی هستند که این کار را به صورت حرفه اصلی خود انجام می دهند و در این کار کمابیش دارای سابقه و اعتبارند و به انتظار نایبانه اند که به معض و روند سپردن تعهد بر گرداندن ارز حاصل از صادرات، شروع به صادرات یکسویه کالا، عدم بر گرداندن ارز و در نهایت خروج ارز از مملکت کنند.

العکس این نکته بر تمام فعالان اقتصادی پرواضح است که فضای بازومک محدودیت جهت فعالیت های تجاری همیشه جذابیت بیشتری برای تاجر و بازرگانان ایجاد می کند و انگیزه و علاقه آنها به ماندن و فعالیت در چنین ممالک و مناطقی بیش از ممالک و مناطق با قوانین محدودتر و دست و پاگیرتر است. از این رو با نگاه به معضل تعهدنامه ای جهت صادرات از دیدگاه و روانشناسی اجتماعی نیز در می یابیم که این محدودیت نه تنها به صلاح صادرات کشور نمی باشد بلکه با القای این تفکر به صادرکننده، که دولت به فعالان اقتصادی و صادرکنندگان خود بی اعتماد است (زیرا با خروج ارز از مملکت قصد ضربه زدن به نظام اقتصادی کشور را دارند) و یا تنها به خاطر تعداد اندکی که با استفاده از صادرات قصد خروج سرمایه از کشور را دارند، اقدام به ایجاد چنین مانع و عوامل بازدارنده ای در مسیر کار یک اکثریت دولتی و درستکار نموده است، احساس همسویی و نزدیکی صادرکنندگان با سیاستگزاران مملکت از بین رفته و آنان به صورت خوداگاه یا ناخوداگاه دچار بی اعتمادی و بدبینی نسبت به دولت و سیاست هایش می شوند.

دلیل دیگری که سیاستگزاران بانک مرکزی برای اخذ تعهدنامه ارزی از صادرکنندگان قائل هستند این است که با واگذاری واریزنامه از سوی بانک، پس از فروش ارز مورد تعهد به صادرکننده و فروش آن در بورس به واردکنندگان کالا، به صورت خودکار تعادلی بین صادرات و واردات کالا ایجاد می گردد که باعث کاهش یا رفع کسری نر از بازرگانی کشور شده و از این طریق نیز از واردات بی رویه کالا و خروج ارز از کشور جلوگیری می شود.

در جواب باید گفت، اولاً این کار سبب شده است که صادرکنندگان، ارز حاصل از صدور کالای خود را به نرخ ارز رزتر از نرخ واقعی آن بفرودند تا واردکنندگان بتوانند با این بارانه که از سوی صادرکننده پرداخت می گردد کالا را ارز رزتر وارد کرده و در نهایت توان رقابت محصولات داخلی را با کالای وارداتی به علت این بارانه کاهش دهند. ثانیاً پرواضح است که برای کشوری که دوران سازندگی پس از جنگ و بازاری